

تحولات اجتهاد شیعی در قرن معاصر؛ حوزه‌ها، مکتب‌ها و روش‌ها

فقه سید محمد کاظم طباطبائی یزدی (۶)^۱

دکتر سید مصطفی محقق داماد*

چکیده

تحول مکتب فقهی نجف در آغاز قرن معاصر توسط دو ستاره درخشان فقاہت انجام گرفت، ملا محمد کاظم خراسانی و سید محمد کاظم طباطبائی یزدی. ولی میان روش اجتهادی آن دو بزرگوار تفاوت شگرف وجود داشته که در فتاوی و شاید سلوک عملی و سیاسی آن دو نیز تأثیر گذارده است. ما در مقالات پیشین از فقه ملا محمد کاظم خراسانی تا حدی که متناسب با اهداف این نگارش بود اجمالاً گزارش دادیم. اینکه به بیان گزارش فقه سید طباطبائی یزدی می‌پردازیم. نظر به اینکه روش فقاہت ایشان ویژگی‌های مخصوص و ممتازی دارد و باید با روش‌های قبل مقایسه گردد، مناسب است به منظور آشنایی دانشجویان گرامی قبل از هرچیز به نحو مختصر به سیر تکاملی فقه در ادوار فقه پرداخته شود.

کلید واژگان

ادوار فقه، اهل حدیث، عقل‌گرایان، روش تفقه عرف‌گرایانه، کتاب عروه الوثقی، حواشی عروه، شروح عروه.

۱. قسمت اول، دوم، سوم، چهارم و پنجم این مقاله به ترتیب در شماره‌های ۴۴، ۴۶، ۴۹، ۵۰ و ۵۶ این مجله منتشر شده است.

* استاد دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

ادوار فقه شیعه

دوره پایه‌گذاری فقه و مکتب اهل بیت (ع)

واقعیت این است که تدوین فقه شیعی از همان زمان حیات پیامبر اکرم (ص) آغاز شد و تا سال ۲۶۰ هـ. ق ادامه یافت. برخی تصور می‌کنند که در این دوره فقه شیعی بسیار محدود بوده است زیرا، حضور امامان (ع) و امکان دسترسی‌آسان به آنها مجالی برای فقاہت و اجتهاد آزاد باقی نمی‌گذاشت و بیشتر فقه در این دوره به صورت سماع و در قالب نقل حدیث از معصومین (ع) محصور بوده است، اما این تصور درست نیست و همان طور که از روایات امامیه هم به دست می‌آید در این دوران ائمه اطهار (ع) به تشویق و ترغیب مسلمانان و به‌ویژه شیعیان و پیروان و شاگردان خود و ایجاد زمینه تعقل و تحقیق و استنباط به شیوه دسترسی و برهانی و بر اساس کتاب و سنت پرداخته و آنها را وادار به تفقه در متن کتاب و سنت بر اساس اصول و مبانی محکمی که به آنها آموزش می‌دادند می‌نمودند، به این ترتیب شاگردان بارز و فقیهانی بزرگ را در این دوره تربیت نمودند، در زمینه بحث‌های کلامی، اعتقادی، تفسیر و برخی علوم دیگر، تشویق‌ها و تحسین‌هایی را نسبت به شاگردان و اصحاب و علاقه‌مندان به این علوم روا داشته‌اند و با یک برنامه مشخص و به‌طور تخصصی هر کدام از آنها را در یک یا چند رشته تخصصی و متناسب با نیاز جامعه برای پاسخگویی علمی و رفع شبهات و پیشبرد علم و دانش تربیت نموده‌اند. به خصوص در حوزه مسائل فقهی به صراحت وظیفه خود را القاء اصول و قواعد کلی دانسته و تفریع، استخراج و استنباط فروعات و احکام جزئی را به عهده پیروان و شاگردان خویش گذارده‌اند.

به نظر آیت‌الله بروجردی در جلد نخستین کتاب «جامع احادیث الشیعه» نخستین اثر فقهی در اسلام نوشته علی بن ابیطالب (ع) و با املاي رسول خدا (ص) بوده است و آن نوشته در خاندان رسالت و نسل معصومین (ع) محافظت و نگهداری می‌شود. ایشان بر اساس مطالعات و تقسیم‌بندی دقیق و طرح ابتکاری خود درباره طبقات رجال، تقسیم‌بندی دقیق از

فقه‌های شیعه و حتی اهل سنت دارند و مجموعه آنها را به سی و شش طبقه تقسیم می‌کنند و خود در این تقسیم‌بندی جزء طبقه سی و هفتم به شمار می‌روند. در این تقسیم‌بندی تعداد طبقات از زمان پیامبر (ص) تا پایان دوره حضور را نیز به ۱۲ طبقه تقسیم می‌نمایند و به مطالعه دقیق رجال و فقه‌های این دوره پرداخته و ضمن معرفی آنها حتی تعداد روایات و موضوع روایاتی که هر کدام نقل کرده‌اند را همراه با نقد و تحلیل آنها یادآور می‌شوند.

همچنین بحث حجیت ظواهر کتاب و اثبات آن به عنوان یک منبع مهم فقهی، بحث حجیت سنت رسول اکرم (ص) و حجیت سنت ائمه اهل بیت (ع) و حجیت عقل و حجیت قول افراد ثقه و مورد اطمینان و ویژگی‌های آنها، روش‌های رفع تعارض میان روایات و حجیت فتوای ائمه معصومین (ع) و اثبات موارد فوق با استفاده از آیات و روایات معصومین (ع) و معرفی فقه‌های دوره حضور همراه آثار فقهی آنها اعم از روایاتی که موضوع‌شان مسائل فقهی است و یا فتاوی و اصول بجا مانده از آنها از جمله مسائلی است که ایشان در کتاب جامع احادیث‌الشیعه به آن پرداخته و منبع خوبی برای شناسایی دوره فقهی حضور می‌باشند. علاوه بر اینکه بسیاری از اصول و مبانی در میان آثار بجا مانده از این دوران می‌باشند.

به هر حال بررسی و روش فقهی امامان (ع) در این دوران نشان می‌دهد که حتی در بسیاری از موارد در پاسخ به پرسش‌های اصحاب خویش به آنها یادآور می‌شدند که پاسخ به پرسش ایشان با روش استدلال فقهی، اجتهادی از متن کتاب و سنت و با استفاده از قواعد و اصول اجتهادی قابل استنباط می‌باشند و حتی در برخی از روایات آشکارا شیوه صحیح اجتهاد و روش فقهی استدلالی و راه‌های رفع تعارض را بر اساس کتاب و سنت و عقل شخصاً پیروی نموده و از این راه تبعیت از این شیوه فقهی را به شاگردان خود آموزش داده‌اند. لذا از بررسی این گونه روایات ثابت می‌شود که اساس اجتهاد در فقه شیعه بر محور تحلیل و ارائه برهان و استدلال قوی عقلی و البته در چهارچوب نصوص (قرآن و سنت) استوار است، البته مراد از استدلال در این شیوه همان استدلال در منطق صوری است

که بر اساس اصول آن، بسیاری از قواعد علم منطق هم حجیت‌شان ثابت و قطع‌آور می‌باشند نه به گونه ظنی و تمثیلی که در فقه از آن به عنوان قیاس یاد می‌شود و مبتنی بر کشف احتمالی علل احکام است و از آغاز راه یافتن آن در فقه اسلامی در قرن دوم، از نظر فقه شیعی مردود بوده است.

لذا تنها در مواردی که علت احکام به صورت قطعی و اطمینان بخش قابل کشف باشد این کشف حجّت است و معتبر شناخته شده و به آن استناد می‌شود.

هر چند برخی معتقدند که محدثان در قرون اولیه مخالف هرگونه استدلال عقلی بوده‌اند و این گونه کشف‌های قطعی را هم در حکم قیاس می‌شمردند و عمل به آن را ناروا می‌دانستند، اما بررسی و تحقیقات این حقیقت را ثابت می‌کند که بایستی بین قیاس سنی که همان تمثیل منطقی است و روایات فراوانی در نهی از عمل به آن در این منبع معتبر و دیگر منابع حدیثی آمده است، با استدلال عقلی که اساس آن بر عقل به عنوان یکی از منابع چهارگانه فقهی شیعی استوار است، فرق گذاشت؛ زیرا، دلیل عقل حجّت در فقه به شمار می‌آید اما قیاس و تمثیل حجیتی برای ایشان ثابت نمی‌شود بلکه بطلان آن آشکار و ثابت شده است.

دوره نخستین: قرن غیبت شامل سه مکتب، «اهل حدیث»، «قدیمین: ابن ابی عقیل و ابن جنید» و «مکتب واسطه»

در دوره آغاز غیبت صغری تا اواخر قرن چهارم (۲۶۰-۳۲۹) سه گرایش متفاوت فقهی فوق در جامعه شیعی وجود داشته است:

۱. مکتب اهل حدیث ۲. مکتب و روش فقهی قدیمین، ابن ابی عقیل عمانی و ابن جنید اسکافی، ۳. مکتب واسطه.

در زمان استیلای محدثان بر محیط علمی و مذهبی شیعه در نیمه دوم قرن سوم و قسمت عمده قرن چهارم دو شخصیت بزرگ از فقهای شیعه که هر کدام دارای روش

فقهی خاصی بودند اما در استفاده از شیوه استدلال عقلی، نقطه مشترکی بین آنها وجود داشت یعنی ابن ابی عقیل و ابن جنید، پدیدار شدند، روش این دو در فقه به نوعی استمرار فقه تحلیلی و عقلی دوره حضور (مانند زراره بن اعین، فضل بن شاذان و...) بود، و به خاطر آثار فقهی این دو نفر این دوره نخستین دوره فقه اجتهادی شیعی به صورت مجموعه‌ای مدون و مستقل شمرده می‌شود.

اول: ابن ابی عقیل: ابو محمد حسن بن علی بن ابی عقیل الاعماني^۲ الحذاء دانشمند نیمه اول قرن چهارم مؤلف اثر فقهی مشهوری به نام «التمسک بحبل آل الرسول» است که در قرن چهارم مشهورترین و مهم‌ترین مرجع فقهی شیعی بوده است. شیخ طوسی کتاب دیگری به نام «الکفر و الفر» در امامت به وی منتسب دانسته است.^۳ اغلب وی را فقیه و متکلم دانسته‌اند.^۴

دوم: ابن جنید، ابوعلی محمد بن احمد بن الجنید الکاتب الاسکافی^۵: دانشمند میانه قرن چهارم مؤلف کتاب‌های «تهذیب الشیعه لا حکام الشریعه» و «الاحمدی فی فقه المحمدی» است، وی در سال ۳۴۰ در نیشابور زنده بوده و مورد توجه اهالی آن شهر قرار داشته است و دوران مرجعیت علمی و مذهبی او هم‌زمان با دوره فرمانروایی معزالدوله است که معاصر با شیخ صدوق مؤلف کتاب من لا یحضره الفقیه بوده است.^۶ نجاشی حدود پنجاه رساله فقهی

۲. تاریخ دقیق تولد و وفاتش معلوم نیست ولی نظر به اینکه ابن قولویه از وی روایت کرده در طبقه کلینی و در عصر غیبت صغری می‌زیسته است (۲۶۰-۳۲۹ هـ. ق)

۳. شیخ طوسی؛ الفهرست، ص ۵۴ و ابن شهر آشوب؛ معالم العلماء، ص ۳۷ و حر عاملی؛ امل الآمل، جلد ۲، ص ۶۱ و نجاشی؛ رجال، ص ۴۸، چاپ جامعه مدرسین قم.

۴. اردبیلی؛ جامع الرواة، جلد ۱، ص ۹۱۱ و سید اسمعیل صدر؛ تأسیس الشیعه علوم الاسلام، ص ۳۰۳.

۵. اسکاف = محلی بین بصره و نهروان.

۶. مسعودی؛ مروج الذهب، جلد ۴، ص ۳۰۷ و نجاشی؛ رجال، ص ۳۸۵-۳۸۸ و سید اسمعیل صدر؛ تأسیس الشیعه، ص ۳۵۰ و خوئی؛ معجم رجال الحديث، جلد ۱۴، ص ۳۱۸.

به ایشان نسبت داده است.^۷

به طور خلاصه باید گفت سبک و روش ویژه فقهی ابن جنید به گونه‌ای بود که از یک سو برخلاف دوره سوم فقه، حجیت و اعتبار احادیث مذهبی را به عنوان منبع اساسی فقه می‌پذیرفت و از طرف دیگر عقل را به مثابه ابزار اساسی استنباط احکام به رسمیت می‌شناخت، این روش با روش فقهی تکامل یافته در دوره‌های بعد سازگارتر و هماهنگ‌تر بود.

شاید به همین دلیل بود که دو قرن پس از وی آراء فقهی او برای نخستین بار به وسیله ابن ادریس فقیه شیعی اواخر قرن ششم با حرمت و احترام نقل گردید^۸ و پس از آن از نیمه دوم قرن هفتم که استدلالات دقیق عقلی راه خود را در فقه شیعی بیشتر گشود، آثار این دانشمند با اعجاب و تحسین و شور و احترام بیشتر مورد توجه قرار گرفت، علامه حلی دانشمند و فقیه مشهور شیعی قرن هشتم او را در عالی‌ترین رتبه فقاقت دانست و آرای او را در آثار خود نقل نمود.

مکتب واسطه

در همین دوره گروهی از فقیهان صاحب فتوی در مراکز علمی و فقهی شیعه بودند که گرچه با اجتهاد دقیق به سبک مکتب قدیمین آشنا نبوده و فقه را به صورت کاملاً مستقل از متون روایات و بر اساس تحلیلات دقیق عقلی و حقوقی تلقی نمی‌کردند اما از روش مقلدانه و محتاطانه و سنت‌گرای اهل حدیث نیز پیروی نمی‌نمودند و در مسائل فقهی به نظر و اجتهاد قائل بوده‌اند و از مکتبی متوسط میان دو گرایش (اهل حدیث و قدیمین) پیروی می‌کردند، روش فقهی و اجتهادی در این مکتب به گونه استخراج احکام جزئی‌تر

۷. نجاشی؛ همانجا.

۸. ابن ادریس؛ السرائر، ص ۲۱۵، تهران ۱۳۹۰ ق.

از قواعد عمومی حدیثی با انتخاب و ترجیح یکی از دو طرف در مورد تعارض اخبار با یکدیگر بود و چون تصمیم‌گیری‌ها و انتخاب در این موارد با یکدیگر برابر نبود نوعی تحرک که گاهی نسبت به مسائل مورد ابتلا شدیدتر و جدی‌تر هم می‌شد را باعث گردید.

دوره دوم: حاکمیت مکتب فقهی متکلمان و محققان

پس از دوره حکمروایی بلامنازع مکتب اهل حدیث، با مبارزه سرسخت گروهی از متکلمان و محققان زبردست و نیرومند و تحت تأثیر انتقادات شدید و کوبنده آنان، اهل حدیث منزوی شده و جای آن را گرایش کلامی و عقلی در فقه شیعی گرفت.

سبب تغییر این گرایش همت شخصیت برجسته‌ای همچون ابو عبدالله محمد بن محمد بن نعمان بغدادی معروف به شیخ مفید یا ابن المعلم (م ۴۱۳) بود که نزد احمد بن محمد بن جنید اسکافی، محمد بن علی بن بابویه قمی، جعفر بن محمد بن قولویه، احمد بن محمد بن علی بن داود قمی شاگردی کرده و بنابراین شیخ مفید با هر سه مکتب فقهی رایج در قرن چهارم آشنایی صحیح و عمیق و دقیقی یافته بود.

وی با شدت با روش قشری و تحجرگرایانه اهل حدیث مبارزه نمود و در برابر آنها به موفقیت کامل رسید، محدثان قم که سردمدار و پرچم‌دار مکتب اهل حدیث بودند در مورد امامان معصوم (ع) نظرات خاصی داشتند و انتساب هرگونه امر غیر طبیعی و فوق‌العاده را به آنان غلو و انحراف مذهبی تلقی می‌کردند، تا آنجا که معتقد بودند اگر کسی پیامبر (ص) را مصون از فراموشی یا اشتباه بداند غالی و منحرف است. نجاشی^۹ و شیخ طوسی^{۱۰} دو شاگرد نامدار او هستند. شیخ مفید در مناظرات کلامی دستی قوی داشت

۹. نجاشی؛ رجال، ص ۳۹۹.

۱۰. خونی؛ معجم رجال الحديث، جلد ۱۸، ص ۱۳-۱۲.

و با متکلمین زمان خویش با دو متکلم معتزلی و اشعری، قاضی عبدالجبار و ابوبکر باقلانی مناظره کرد.

دوره سوم: حاکمیت مکتب شیخ الطائفه محمد بن محمد بن حسن طوسی (م) (۴۶۰)

شیخ طوسی در سال ۳۸۵ (۴ سال بعد از رحلت شیخ صدوق) در طوس متولد شد سپس به بغداد هجرت نمود و در سال ۴۰۸ در آنجا ساکن شد.^{۱۱} وی ۲۳ سال داشت که در درس شیخ مفید که مرجعیت شیعه را بر عهده داشت شرکت نمود و همواره ملازم و همراه استاد خویش بود (تا پایان عمر استادش در سال ۴۱۳) و علاوه بر آن در درس شیخ حسین بن عیبدالله بن الغضائری (متوفای ۴۱۳) شرکت نموده و برخی از اساتید و مشایخ نجاشی را نیز درک کرده است. سپس بعد از رحلت شیخ مفید که زعامت و رهبری دین و ریاست مذهب شیعه به شاگردش سیدمرتضی علم الهدی انتقال یافت شیخ طوسی ملازم کرسی درس سیدمرتضی گشت و همواره مورد توجه ویژه آن دو بزرگوار بود ۲۳ سال نیز از درس سیدمرتضی (یعنی تا سال ۴۳۶) بهره برده است. آنگاه مرجعیت و رهبری شیعه را عهده دار گشت و اساس نوینی را برای فقه شیعی بنا گذارد که با شیوه های پیشین به طور کلی متفاوت بود. با توجه به اینکه در مکتب متکلمان اساس فقه ظواهر قرآن و احادیث مسلم و مشهور بود و به روایات آحاد به خودی خود به صورت منبع فقه نظر نمی شد، ایشان کوشید با حفظ شکل تعقلی و تحلیلی فقه، اعتبار این گونه احادیث را نیز برگرداند. اعتبار و

۱۱. از دوره نخست زندگی طوسی - پیش از سال ۴۰۸ ق که تاریخ ورود او به بغداد است (نگاه کنید به: طوسی، الغیه ۳۵۸): چیزی نمی دانیم. قاعدتاً تا سن ۲۳ سالگی (یعنی تا سال ۴۰۸ که به بغداد آمد) در طوس و نیشابور و نزد دانشمندان آن دو شهر به تحصیل مشغول بوده است. (غیه النزوع، مقدمه عمادی حائری)

حجیت اخبار آحاد را می‌توان نقطه آغازین اجتهاد شیعه و یا لااقل نقطه عطف در این راستا دانست.^{۱۲}

در واقع شیخ طوسی مکتبی را بر پایه ترکیب عناصر قوام دهنده مکتب متکلمان و مکتب اهل حدیث بنا نهاد، به این ترتیب با طرح کردن صور و اشکال گوناگون یک مسأله، «فقه تفریعی» را به شکل تازه و گسترده‌ای مطرح ساخت و کتاب «المبسوط» خود را در این زمینه نگاشت و از راه مقایسه میان مکتب‌های گوناگون فقهی اسلامی و تجزیه و تحلیل و نقد آنها «فقه مقارن» یا همان «مسائل خلاف» را بنا نهاد و ضمن طرح و ارزیابی شالوده فقه مذاهب مختلف اهل سنت نظر خود را بر پایه مبانی فقهی شیعه بر آن افزود و در این زمینه کتاب «الخلاف» خود را تألیف نمود.^{۱۳}

کتابی هم با عنوان «النهایه» نوشت که در آن روش فقه سنتی شیعی را رعایت نمود که تا قرن‌ها مهم‌ترین متن فقهی شیعه به شمار می‌رفت، کتاب‌های دیگر وی مانند «الجمل و العقود» و رسائل فقهی متعدد دیگر وی نیز جزء میراث شیعه به شمار می‌روند. ایشان ضمن تدوین دو مجموعه حدیثی به نام‌های «تهذیب الاحکام» و «الاستبصار» روش خود را در جمع میان اخبار متعارض و برداشت‌های فقهی که گام جدیدی در جهت تکامل فقه شیعه به شمار می‌رفت نمایان ساخت. مبانی محکم و روش‌های متین فقهی ایشان باعث شد که در یک دوره طولانی یعنی یک قرن تمام نظرات ایشان بر جوامع علمی و فقهی شیعی حکم‌فرما باشد به طوری که تا مدت‌ها کسی به خود اجازه اجتهاد نمی‌داد و همه راه تقلید از ایشان را برگزیده بودند.^{۱۴} شیخ طوسی در ادبیات فقه امامیه به «شیخ الطائفه» لقب گرفته

۱۲. موسوعه طبقات الفقهاء، جلد ۵، ص ۲۷۹.

۱۳. برخی نام این کتاب را «الخلاف والوفاق» دانسته‌اند. (نگاه کنید به: مقدمه آقای Kerry بر ترجمه شرایع الاسلام (Droit Musolman) چاپ پاریس.

۱۴. شیخ آغا بزرگ تهرانی، مقدمه کتاب الغیبه.

است.^{۱۵}

دوره نقد فقه شیخ طوسی توسط ابن‌ادریس

یک قرن پس از درگذشت شیخ الطائفه و پیروی مطلق و تقلید گونه از روش ایشان در نیمه دوم قرن ششم عده‌ای از فقهاء به نقد و مخالفت با اساس فقهی شیخ پرداخته و با انکار حجیت اخبار آحاد دوباره روش اجتهادی شیخ مفید و سیدمرتضی را مطرح نمودند، برخی بسیار نرم و ملایم و با حفظ موضع پیروانه و برخی بسیار تند و شدید به نقادی پرداختند از جمله این شخصیت‌ها عبارتند از:

۱. سدیدالدین محمودبن علی حمصی

۲. ابوالمکارم عزالدین حمزه بن علی بن زهره حلبی (م ۵۸۵)، صاحب کتاب «غنیه

النزوع إلى علمی الاصول والفروع»

این دو فقیه را تاریخ نگاران فقه شیعه در شمار همان مقلد از شیخ طوسی ذکر کرده‌اند نه در شمار ناقدان وی، به علت آنکه نقادی بسیار نرم و ملایم داشتند و اکثراً موضع پیروی خود را از شیخ طوسی حفظ کرده‌اند. می‌توان این دو فقیه را «نوطوسیان» عنوان داد.

۱۵. عنوان «شیخ الطائفه» در میان امامیه، قبلاً به ابوعبدالله صفوانی (زنده در ۳۵۲ ق؛ درباره او، نگاه کنید به: عمادی حائری، «صفوانی ...»: ۴۹۹-۵۰۴) اطلاق شده بود (نگاه کنید به: نجاشی: ۳۹۳). نجاشی (م ۴۵۰) که از معاصران طوسی است، از او با عنوان «شیخ الطائفه» یاد نمی‌کند و تنها با عناوین «جلیل فی اصحابنا، ثقه، عین، من تلامذه شیخنا ابی عبدالله» از وی نام می‌برد (نجاشی: ۴۰۳)؛ اما در قرن هفتم علامه حلبی با عناوین «شیخ الامامیه» و «رئیس الطائفه» از طوسی یاد می‌کند (حلی، خلاصه الاقوال: ۲۴۹). در قرن ششم، قزوینی رازی از طوسی با عنوان «شیخ کبیر» یاد کرده (قزوینی رازی: ۲۱۵)، و در قرن هفتم محقق حلبی (نگاه کنید به: المعتمد ۳۳) و شاگردش علامه حلبی (نگاه کنید به: منتهی المطلب ۱/۹) عنوان «شیخ» را اختصاصاً برای طوسی به کار برده‌اند. مورخان و تراجم‌نگاران اهل سنت در قرون هفتم و هشتم، از طوسی با عناوینی مانند «فقیه الامامیه» (ابن‌اثیر: ۶۳۷/۹)، «شیخ الشیعه و عالمهم» (ذهبی: ۴۹۰/۳۰) و «فقیه الشیعه» (ابن‌کثیر: ۱۲/۱۱۹) یاد کرده‌اند. (غنیه النزوع، مقدمه)

همچنان که از دنباله عنوان اصلی کتاب ... (إلى علمى الاصول والفروع) پیدا است، ابن زهره در آن از سه دانش اصلی علوم دینی سخن می گوید: اصول دین، اعتقادات، (در اصطلاح ادبیات متأخرتر: کلام)، اصول فقه و فروع فقه.

کتاب غنیه النزوع ابن زهره مدت ها در میان شیعیان کتاب درسی شناخته شد. نسخه غنیه النزوع کتابخانه مجلس شورای اسلامی در اختیار خواجه نصیرالدین طوسی (۵۹۷-۶۷۲ ق) - متکلم بزرگ شیعی و دانشمند نامدار ایرانی - بوده، و وی در جوانی بخش هایی از آن را نزد سالم ابن بدران مازنی مصری - از شاگردان ابن زهره - خوانده و بخش سوم کتاب را با نسخه ای صحیح مقابله کرده است.^{۱۶} شواهد دیگری نیز هست که گویای جایگاه خاص این کتاب در محافل علوم دینی امامیه و مخصوصاً مقبولیت آن نزد امامیان ایرانی قرن هفتم و اوایل قرن هشتم است: عمادالدین حسن بن علی آملی طبری (زنده در ۷۰۱ ق) ترجمه گونه ای به فارسی از غنیه النزوع به دست داد که هر سه بخش کتاب (اصول دین، اصول فقه، فروع فقه) را دربردارد.^{۱۷}

۳. محمدبن ادریس حلی (م ۵۹۸) صاحب کتاب «السرائر»

بارزترین چهره از میان فقهای فوق ابن ادریس حلی است که فقهی ادیب و رجالی دقیق بوده و با داخل نمودن نکات و تدقیق های لغوی و رجالی و آنچه مربوط به علم انساب است در فقه شیعی، طراوتی تازه به آن بخشید. کتاب فقهی او یعنی «السرائر» که نمونه ای از فقه ادیبانه او است، حاکی از روح نقادانه وی می باشد. وی با نقد صریح آراء و نظریات

۱۶. در پایان نسخه، دست نوشت نصیرالدین طوسی مبنی بر مقابله بخش سوم این نسخه در جمادی الاولی سال ۶۲۴ ق دیده می شود، با این عبارات: «وقع الفراغ من مقابله القسم الثالث بنسخه صحیحه. والحمد لله تبارک وتعالی تبارک وتعالی فی جمادی الاولی اربع [و] عشرين [و] ستمائه هجریه. کتبه محمد بن محمد بن الحسن الطوسی بخطه». (نگاه کنید به: مقدمه غنیه النزوع، سید محمد عمادی حائری).

۱۷. این کتاب توسط شادروان استاد محمد تقی دانش پژوه تحقیق و به چاپ رسیده است.

شیخ طوسی توانست حرکتی نو را پس از سال‌ها که روح تقلید و تبعیت از آرای شیخ حاکم بر محیط‌های علمی شیعه بود بنیان نهد^{۱۸}، هرچند برخی معتقدند که در این جهت تندی روی نموده و از اینکه شیخ طوسی را به تبعیت از شافعی متهم ساخته^{۱۹} آرای وی طرف‌داران چندانی ندارد و برخی هم به انتقادهای او پاسخ داده‌اند، اما نقد او باعث زنده شدن دوباره روش اجتهادی در میان فقهای شیعه گردید، لذا در نیمه‌اول قرن هفتم هجری گروهی از فقها که نقاد شیخ شمرده می‌شوند، صاحب آراء و کتاب‌های فقهی می‌باشند.

محقق حلی و علامه حلی

روش نوینی را که شیخ طوسی وارد حوزه‌های علمی شیعی نمود (یعنی همان مسائل خلاف) ضمن آنکه تحولی را به وجود آورد اما ورود عناصری از فقه سنی به فقه شیعی را به همراه داشت که به خاطر ناهمگونی و عدم تناسب با سیستم فقهی شیعه اشکالاتی را هم در بر داشت که همین اشکالات زمینه انتقادات برخی از فقهای شیعه مانند ابن‌ادریس و شده بود، لذا می‌بایست سیستم و روش فقهی شیعی تحول تازه یابد تا با نظم نوین خود بتواند مطالب تازه را دربرگیرد و در جایگاه خود قرار دهد.

محقق نجم‌الدین ابوالقاسم جعفر بن حسن حلی (م ۶۷۶) صاحب کتاب‌های «شرایع الاسلام» و «معتبر»، «مختصر النافع»، «نکته‌النهایه» و تألیفات فقهی دیگر اقدام به این کار نموده و با تهذیب فقه شیخ طوسی آراء و انظار وی را در مسائل مختلف از کتاب‌های ایشان جمع‌آوری و مرتب نمود و بر پایه اصولی مدوّن منسجم ساخت و با این کار به دفع و پاسخگویی به انتقادات ابن‌ادریس که فقه شیخ طوسی را مخدوش نموده بود پرداخته و از

۱۸. نگاه کنید به: شهید ثانی؛ الدرایه فی مصطلح الحدیث، ص ۲۸، نجف، مطبعه النعمان.

۱۹. نگاه کنید به: سید مصطفی، محقق داماد؛ دائره المعارف بزرگ اسلامی، مدخل ابن‌ادریس.

مکتب شیخ طوسی به شدت دفاع کرد.^{۲۰} وی در کتاب «شرایع الاسلام» مسائل فقه را به چهار قسم: ۱. عبادات، ۲. عقود، ۳. ایقاعات، ۴. احکام تقسیم نموده است. اساس این تقسیم چهارگانه برای فقه در نزد محقق این است که حکم شرعی یا بایستی به قصد قربت انجام گیرد که (عبادت) است یا قصد قربت در آن شرط نیست که در این صورت یا نیاز به الفاظ ایجاب و قبول از دو طرف دارد که (عقود) است یا نیاز به لفظی برای ایجاد از یک طرف دارد که (ایقاعات) است یا احتیاجی به لفظ ندارد که (احکام) است لذا این تقسیم‌بندی که در مدرسه حله انجام گرفت از جهاتی از تقسیم‌بندی شیخ طوسی کامل‌تر به نظر می‌رسد و سبب تکامل و تنظیم و سازماندهی بیشتر مسائل فقهی گردید. بر کتاب شرایع الاسلام بیشتر از بیست شرح نوشته شده که مشهورترین آنها کتاب‌های جواهر الکلام محمد حسن نجفی و مسالک الافهام شهید ثانی است.^{۲۱}

شاگرد او علامه جمال‌الدین حسن بن یوسف بن مطهر حلی (م ۷۲۶) نیز این راه را ادامه داد و در چهارچوب فقه شیخ طوسی و ترتیب جدید محقق به بسط و تنقیح فقه شیعی پرداخت، وی صاحب کتاب‌های «مختلف‌الشیعه»، «تبصره المتعلمین»، «تذکره الفقهاء»، «منتهی المطلب»، «قواعد الاحکام»، «تحریر الاحکام الشرعیه»، «ارشاد الاذهان»، «نهایه الاحکام» و «تلخیص المرام» است که حاکی از روح تتبع و تحقیق وی و بیشتر در زمینه فقه تطبیقی (مسائل خلاف) و تفریعی است که همگی آنها به عنوان مآخذ اصیل و معتبر فقهی شیعه پس از او به شمار می‌روند. وی در فقه شاگرد و جانشین محقق حلی و در فلسفه و کلام ریاضیات شاگرد محقق طوسی است. از ویژگی‌های او این است که با بسط و توسعه بی‌نظیر خود در بخش معاملات بر اساس قواعد مشهور، فروع و شقوق فراوان در فقه شیعی

۲۰. نگاه کنید به: سید محسن، امین عاملی؛ اعیان‌الشیعه، جلد ۴، ص ۹۱ و محقق حلی؛ مقدمه المعبر و سید محمد باقر خوانساری؛ روضات الجنات، جلد ۲، ص ۴۴۷، انتشارات اسمعیلیان، قم.
۲۱. شیخ آغا بزرگ تهرانی؛ الذریعه الی تصانیف الشیعه، ذیل شرایع الاسلام.

به وجود آورد و به دلیل آشنایی و بهره‌وری وی از دانش ریاضیات در مباحث مربوطه فقهی مانند بحث ارث و... پس از معین‌الدین مصری و شاگردش نصیرالدین طوسی، نخستین کسی بود که قواعد ریاضیات و هیت را وارد فقه کرد^{۲۲} و با توسعه روش ابن‌طاووس و تحکیم آن در زمینه رجال، در زمینه گروه‌بندی روایات از نظر وثاقت گامی در جهت توسعه و تثبیت مبانی رجالی برداشت و با تهذیب اصول فقه و کتاب‌های متعددی که در این زمینه نوشت کمک شایانی به تنقیح مبانی و قواعد فقهی نمود و زمینه را برای استقلال کامل فقه و اصول شیعی از یکدیگر فراهم کرد. کتاب «تذکره الفقهاء» اولین موسوعه فقهی از نوع خودش در تاریخ تکامل فقه شیعی است و بالاخره با ابتکارات و ابداعات محقق و علامه فقه شیخ طوسی در این دوران احیاء شد و تکامل یافت و علاوه بر آن شاگردان ایشان نیز در همین چهارچوب تلاش‌های ارزنده‌ای را از خود ظاهر ساختند.

دوره حاکمیت مکتب فقهی شهید اول

شهید اول، شمس‌الدین ابوعبدالله محمدبن شیخ جمال‌الدین مکی عاملی (م ۷۸۶) نخست به تنقیح قواعد و اصول فقه شیعی در کتاب «القواعد والفوائد» پرداخت و سپس با به کار بستن عملی آن در متن فقه شیعی محتوای آن را دگرگون ساخت و هویت و شکل جدیدی به آن بخشید و آن را بسط داد و جلوه‌های تازه‌ای از آن را ظاهر ساخت، تفریعات و تحقیقات و نوآوری‌هایی، فقه ایشان را از پیشینیان کاملاً ممتاز می‌سازد. آثار فقهی متعدد وی مانند «القیه»، «نفلیه»، «القواعد و الفوائد»، «البيان»، «الدروس الشرعیه»، «غایه‌المراد»، «ذکر الشیعه»، «اللمعه الدمشقیه» نیز از مصادر و مآخذ ارزنده فقه شیعی و نمایانگر روش‌ها و ویژگی‌های مکتب فقهی وی می‌باشد، به طوری که تا حدود یک قرن و نیم پس از وی

۲۲. تأسیس الشیعه لعلوم الاسلام، ص ۳۰۵ و نیز جواهر الکلام، کتاب الصلوه، مبحث قبله.

فقهاء و دانشمندان شیعی از مکتب فقهی وی پیروی نموده و برخی از آثار ایشان مانند: «اللمعه الدمشقیه» تاکنون در حوزه‌های علمی شیعی تدریس می‌شود به‌طوری که طلاب و دانش‌پژوهان شیعی تنها کتابی را که دربردارنده یک دوره کامل مباحث فقهی شیعه است و به‌طور رسمی و به عنوان مواد درسی می‌گذرانند همین کتاب است. گفته می‌شود که مؤلف این کتاب را به درخواست شمس الدین محمد آوی از یاران سلطان علی بن مؤید آخرین حاکم سربداران خراسان برای شیعیان آن خطه به نگارش درآورده است.^{۲۳}

وی در سال ۷۳۴ در جزین از توابع جبل عامل متولد شد سپس برای کسب علم به حله مهاجرت نمود. در حله شاگرد و ملازم فخرالمحققین فرزند علامه حلی (۶۸۲-۷۷۱) بود و از دیگر شاگردان علامه حلی در فقه و فلسفه کسب دانش و فضیلت نمود، بسیاری از مراکز تمدن اسلامی مانند مکه، مدینه، بغداد، مصر، دمشق، بیت المقدس و مقام ابراهیم را زیارت نمود و در آنجا در جمع مشایخ عامه داخل می‌شد و این سفرها موجب باروری فکر و اندیشه وی و تأثیرگذار در روش‌های فقهی و اصول و شهرت وی در میان علمای مسلمین از مذاهب مختلف گردید.^{۲۴}

مکتب علما و فقهای دوره صفوی

مکتب فقهی دوره صفوی (۹۰۷-۱۱۳۵) حدود دو قرن و نیم بلکه تا سه قرن بر محیط علمی شیعی حکم‌فرما بود و شامل سه مکتب (۱. محقق کرکی، ۲. مقدس اردبیلی، ۳. اخباریان) بوده است. اگرچه این سه مکتب از نظر تاریخ به ترتیب پس از یکدیگر تولد یافته‌اند اما در سیر زمان و در ادامه روند تطور و تکامل فقهی در کنار یکدیگر فعالیت خویش را انجام داده و هر کدام روش خود را پیگیری نموده‌اند:

۲۳. شهید اول؛ اللمعه الدمشقیه، (مقدمه جلد ۱) ص ۲۳-۲۴. ده جلدی، کلاتر.

۲۴. سید محسن، امین؛ اعیان الشیعه، جلد ۳، ص ۲۸۱. انتشارات دارالتعارف بیروت در سال ۱۴۰۶ ه. ق.

الف) مکتب فقهی محقق کرکی

محقق دوم علی بن عبدالحی کرکی (م ۹۴۰) از فقهای بزرگ شیعی است که در استوار ساختن مبانی فقه شیعی تلاش‌های اصولی ارزشمندی داشته است.

ویژگی فقهی ایشان از دو جهت قابل توجه است:

اول، قدرت علمی بالا و استدلال‌های متین و محکم و برهان‌های قوی که وی پس از طرح نظرات مخالفین و دلایل آنها با پاسخ عمیق، دقیق و مستدل خود آنها را رد می‌کند. دوم، توجه خاص ایشان به مسائلی که با حکومت یافتن شیعه در ایران نمایان شد، مانند: محدوده اختیارات ولایت فقیه، نماز جمعه، خراج، مقاسمه و سایر احکام حکومتی که وی در آثار و کتاب‌های خود مانند: «جامع المقاصد»، «تعلیق الارشاد» و «فوائد الشرائع» به‌طور مفصل از آنها بحث نموده است و در پاره‌ای از موارد نیز رساله‌های جداگانه‌ای را تألیف نموده است. بسیاری از فقها و مجتهدان شیعه نیز تا پایان دوره صفوی از روش فقهی ایشان پیروی نموده‌اند.^{۲۵}

ب) مکتب فقهی مقدس اردبیلی

فقیه محقق احمد بن محمد اردبیلی (م ۹۹۳) صاحب کتاب‌های «مجمع الفوائد والبرهان» و «زبد البیان»^{۲۶} است که اساس روش فقهی ایشان اتکاء بر فکر و اجتهاد تحلیلی و تدقیقی و توجه به آراء و انظار پیشینیان می‌باشد. روحیه آزادی‌خواهی، دقت‌ها و موشکافی‌های فقهی همراه با شجاعت فقهی او باعث شد که گروهی از فقهای شیعه از روش او پیروی کنند.

۲۵. حر عاملی؛ امل الآمل فی علماء جبل عامل، جلد ۲، ص ۱۴۹ و شیخ آغا بزرگ تهرانی؛ الذریعه الی تصانیف الشیعه.

۲۶. این کتاب در آیات الاحکام است.

ج) اخباریان

همان‌طور که در دوره‌های قبلی اشاره نمودیم با فعالیت متکلمان و محققان در اواخر قرن چهارم و اوائل قرن پنجم مکتب اهل حدیث متزوی شد اما اندکی از هواداران آن به صورت پراکنده باقی ماندند تا اینکه در اوائل قرن یازدهم مکتب دیگری تحت عنوان «اخباریگری» به وسیله محمدامین استرآبادی (م ۱۰۳۶) و با تألیف کتاب «الفوائد المدنیة» به صحنه آمد، که البته از جهات عدیده‌ای با مکتب حدیث متفاوت است. زمینه‌های ظهور گرایش اخباریگری را می‌توان چند امر دانست، از جمله آنها عبارتند از:

۱. رساله شهید ثانی علیه پیروی از سلف و پیشینیان بدون تحقیق در استدالات آنها.
۲. رساله شاگرد شهید ثانی، حسین بن عبدالصمد عاملی، شیخ الاسلام دربار صفوی که در آن ادعا کرده بود: اجتهاد تنها راه کشف احکام شرعی است، وی در بیشتر آثار خود فقهای شیعه را به خاطر تقلید از گذشتگان خود ملامت می‌کرد.
۳. افراط علمای جبل عامل در گسترش قلمرو فقه به منظور تأمین نیازهای حکومت صفوی.

دوره حاکمیت مکتب فقهی وحید بهبهانی

در نیمه دوم قرن دوازدهم فقیه بزرگ شیعی که در استدلال و تحلیل و تفکر عقلانی نبوغ ویژه‌ای داشت یعنی محمدباقر بن محمد اکمل معروف به وحید بهبهانی (م ۱۲۰۵) به مبارزه جدی با مذهب اخباریگری پرداخت که این مطلب در آثار فقهی او کاملاً روشن است از جمله آثار علمی و کتاب‌های ایشان عبارتند از: «الفوائد الحائریه»، «شرحی بر مفاتیح الشرائع» مرحوم فیض و...

زمینه این حرکت نیز توسط چند تن از فقها در میانه قرن دوازدهم که تمایلات اخباریگری در آنها شدید بود فراهم شد که برخی از آنها عبارتند از:

۱. سیدصدرالدین محمدبن محمدباقر همدانی (قرن ۱۲) در شرح «وافیه» شیخ انصاری در رسائل خود هر جا که بهترین دفاع را از آرای اخباریون نقل می‌کند از همین شرح الوافیه سید صدر اقتباس کرده و نقل می‌کند و در تاریخ فقه شیعه او را در شمار اخباریون آورده‌اند.

۲. شیخ یوسف بن احمد بحرانی (م ۱۱۸۶) در مقدمه «حقائق»

۳. مهدی بن محمد صالح فتونی عاملی (م ۱۱۸۳) در دیباچه «نتایج الاخبار»

۴. علی مقابی بحرانی، در مقدمه «نخبه المقال»

و دیگران که با پذیرش برخی از استدلالات اصولیان به نقد برخی از روش‌های اخباریان پرداخته و از روشی میانه‌تر و معتدل‌تر پیروی نمودند.

وحید بهبهانی به عنوان کسی که در روش فقهی برای نخستین‌بار قواعد اصول را به درستی اعمال نموده و مکتب او نمونه یک فقه منطقی پیشرفته با سیستم قوی و هماهنگ و استوار و برتر از سایر مکاتب، به صحنه آمد و به‌طور کلی بساط اخباریگری را جمع نموده و با تشکیل حوزه درس خود نخبگان همه جریان‌ها و به خصوص جریان اخباریگری را جذب مکتب خود نمود و آنها را بر اساس مکتب خود تربیت کرد.

مکتب شیخ اعظم انصاری

تحول اساسی دیگری که در فقه شیعه روی داد و چهره فقه شیعی را کاملاً دگرگون کرد توسط شیخ مرتضی بن محمد امین انصاری (م ۱۲۸۱) انجام شد که با تنقیح اصولی و فقهی و روش بسیار دقیق علمی و باریک‌بینی ویژه‌ای آن را ایجاد کرد. وی با بسط و وسیع مباحث «اصول عملیه» در اصول فقه و موشکافی‌ها و دقت‌های ویژه خود آن را به شکل بسیار ظریف درآورده و بر پایه علمی مستحکم بنا نهاد، آنگاه فقه را به خصوص در مبحث معاملات بر همان روش اصولی تفریع نمود. کتاب فرائد الاصول یا «رسائل» او در اصول شهرت خاصی دارد و تا امروز در حوزه‌های علمی شیعی مدار بحث و تدریس در سطوح

عالی و مباحث خارج اصول فقها و مراجع شیعه می‌باشد، چنان‌که کتاب «مکاسب» و رساله‌های متعدد فقهی ایشان همچنان مدار تدریس در سطوح عالی و مباحث خارج فقه در حوزه‌های علمیه است که تا به حال دهها شرح و حاشیه بر آنها نوشته شده است. علاوه بر آن کتاب‌های دیگری را نیز به رشته تحریر درآورده است که حاکی از روح تنبع و پژوهش عمیق ایشان است

پیروان و شاگردان برجسته مدرسه و مکتب شیخ انصاری

۱. میرزا حبیب‌الله بن محمد علی رشتی (م ۱۳۱۲): وی در یکی از روستاهای گیلان (املش)^{۲۷} متولد شد، مقدمات را در زادگاه خویش و فقه و اصول را در قزوین به پایان رسانید، سپس به نجف اشرف مشرف شد و در محضر درس شیخ انصاری مراحل عالی به سیری نمود تا مجتهدی کامل گردید. از آثار علمی وی می‌توان «بدائع الافکار» در علم اصول، رساله‌های در «غصب»، کتاب «الاجاره» و کتاب «الالتقاط» را نام برد.

۲. میرزا سید محمدحسن بن محمود حسینی شیرازی (م ۱۳۱۲): معروف به میرزای بزرگ شیرازی ایشان در سال ۱۲۳۰ در شیراز متولد شد، در ۴ سالگی تحصیل را آغاز نمود و ۵-۶ سال داشت که به آموختن علوم اسلامی پرداخت، در ۸ سالگی مقدمات را به پایان برد، در ۱۲ سالگی در درس شرح لمعه شرکت جست و هم‌زمان به تدریس آن پرداخت، سپس به مدرسه صدر اصفهان رفته در نزد استادش شیخ محمدتقی صاحب «حاشیه بر معالم» ادامه تحصیل داد، سپس به درس سید محمد حسن مدرس اصفهانی حاضر شد و قبل از ۲۰ سالگی به کسب اجازه اجتهاد از وی نائل آمد.

ده سال بعد در سال ۱۲۵۹ وارد کربلا و نجف شد و در درس علمایی مانند صاحب

۲۷. دائرة المعارف تشیع، جلد ۲، ص ۵۰۲.

جواهر حاضر شد. و هم‌زمان در درس علامه شیخ مرتضی انصاری در نجف شرکت جست، معروف است که شیخ مرتضی انصاری بارها گفته بود: «من درس را برای سه نفر می‌گویم: میرزا محمد حسن شیرازی، میرزا حبیب‌الله رشتی، آقا حسن نجم آبادی تهرانی» به گفته میرزای آشتیانی، بعد از رحلت شیخ انصاری همگی بر مقدم بودن میرزای شیرازی اتفاق کردند. بهر حال وی در سال ۱۲۸۱ بعد از رحلت شیخ انصاری مرجعیت عامه یافت و در حدود ۲۳ سال مرجع علی‌الاطلاق شیعه بود. در سال ۱۲۹۸ به سامرا مسافرت می‌کند و با هجرت میرزا به سامرا آنجا تبدیل به مرکز علمی شیعی و مرجعیت مردم در امور دین و دنیا گردید.

حافظه سرشار و گفتار شیرین، هیبت و وقار و خرد و شیوه تدریس میرزا توجه همه را به خصوص در دوره مرجعیت ایشان به خود جلب کرد. سیاست‌مداران آن روز از سلاطین و وزرا در حیرت از خرد او بوده و همگی به تدبیر و اندیشه کاملش اذعان داشتند. فتوای تحریم تنباکوی ایشان باعث لغو قرارداد استعماری رژی گردید. وی همچنین مسائل مهمی مانند تاراج چهارمحال، قضیه یهودی‌های همدان، گرفتاری شیعیان به دست افغانی‌ها، خریدن زمین‌های طوس توسط دولت روسیه و ... را به بهترین شکل حل و فصل نمود.

از جمله شاگردان برجسته ایشان می‌توان این افراد را نام برد:

۱. ملا محمد کاظم خراسانی (آخوند خراسانی) صاحب کفایه الاصول،
۲. سید محمد کاظم طباطبائی یزدی صاحب عروه الوثقی،
۳. حاج آقا رضا همدانی،
۴. حاج سید اسمعیل صدر،
۵. سید محمد فشارکی اصفهانی،
۶. میرزا محمد تقی شیرازی،
۷. شیخ فضل‌الله نوری،

۸. شیخ محمدتقی آقا نجفی و....

حضور میرزا در سامرا باعث امنیت و آسایش و آبادانی هرچه بیشتر آنجا شد، بنای چند مدرسه علمیه و پل سامرا، حمام مردانه و زنانه، اصلاحات ساختمان حرم مطهر و بنای بازاری در کنار آن، بنای حسینیه، ساختن خانه برای مجاورین، انفاق به فقرا، رفع فتنه جاسوسان در جهت اختلاف انگیزی نیز از جمله اقدامات میرزا در این شهر است.

در جریان قیام تنباکو و مقدمات آن یعنی قیام مردم شیراز و دستگیری سیدعلی اکبر فال اسیری شیرازی و تبعید وی به بوشهر و سپس بصره و تجمع مردم در شاهچراغ به عنوان اعتراض، قیام مردم تبریز به رهبری «میرزا جواد آقای مجتهد تبریزی» و قیام مردم اصفهان به رهبری سه عالم مجاهد «حاج شیخ محمدتقی معروف به آقا نجفی»، «شیخ محمدعلی» و «ملا باقر فشارکی»، میرزای بزرگ شیرازی با ارتباط قوی با آنها و استماع گزارش فشارها و جزئیات مسئله و آثار آن از زبان آنها و همچنین با استماع گزارشات سید جمال الدین اسدآبادی که در آن زمان با انتشار نشریه عروه الوثقی در اروپا اخبار و اطلاعات وسیعی در اختیار افکار روشنفکران و فرهیختگان می گذاشت و گزارش ها و بازتاب های قرارداد رژی را همراه با تحلیل آن برای میرزای شیرازی می فرستاد، تصمیم گیری به موقع ایشان نقشه های شوم استعمار را خنثی ساخت و هوشیاری و نفوذ مرجعیت شیعه را به عنوان یک دستاورد و تجربه مهم تاریخی برای نسل ها و نهضت های بعد در جهت مبارزه با استعمارگران به ظهور و اثبات رسانید.^{۲۸}

۳. میرزا محمدتقی حائری شیرازی معروف به میرزای دوم

رهبر انقلاب عراق از بزرگ ترین علما و مجتهدان عصر خویش بود وی در شیراز متولد شد و در کربلا پرورش یافت، در همان جا مقدمات علوم اسلامی را فراگرفت، سپس

۲۸. آقا بزرگ تهرانی؛ هدیه الرازی الی الامام المجدد الشیرازی، ص ۱۷، تهران انتشارات میقات، ۱۴۱۲ هـ. ق.

با دوست و مصاحب خود سید محمد فشارکی اصفهانی با نخستین دسته مهاجران به سامرا رفت و در محضر درس میرزای شیرازی حضور یافت و جزء شاگردان ممتاز و میرزای ایشان به شمار می‌آمد و به زودی از ارکان تحقیق این حوزه و از استادان ارجمند آنجا شد و جمعی از شاگردان فاضل و میرزای استاد به درس و بحث او روی آوردند و بعد از میرزای بزرگ شیرازی و بعد از درگذشت سید محمد کاظم یزدی به خاطر کمالاتی که داشت به عنوان جانشین و مرجع تقلید شیعیان جهان برگزیده شد.

همچنین ایشان در دوران مبارزات در حوادث عراق بازداشت شد و استعمار انگلیس ملت عراق را مجبور کرده بود تا نماینده دولت بریتانیا «سرپرسی کاکس» را به عنوان رئیس حکومت عراق بپذیرد، در این زمان فتوای خود را صادر کرد و به صراحت گفت که انتخاب غیرمسلمان به حکومت بر مسلمان جایز نیست (ان المسلم لا یجوز له ان یختار غیرالمسلم حاکماً) هم‌زمان با تشکیل محافل سری با حضور علماء و روحانیون مانند شیخ مهدی خالصی، سید هبه الدین شهرستانی، سید محمد تقی خوانساری و سید ابوالقاسم کاشانی و با دعوت مردم بغداد، کاظمین، نجف، کربلا و دیگر شهرها به تظاهرات آرام و گسیل نمایندگان مردم به بغداد آنها را رهبری نموده که در این جریان با صدورنامه‌ای مردم شهرها و روستاها را به بغداد کشانید و با صدور فتوی دستور داد هزینه مجاهدات از زکات تأمین شود که این امر انگلیسی‌ها را به وحشت انداخت.

میرزا در این زمان نامه دوم و تاریخی خود را صادر می‌کند که در آن آمده است: "بر مردم عراق استیفای حقوق خود واجب است، در خلال اقدامات خود، صلح و امنیت را در نظر داشته باشند اما در صورتی که دولت انگلیس از پذیرفتن پیشنهادهای آنان سرباز زد مردم می‌توانند از سلاح استفاده کنند و با دشمن خود بجنگند." در پی صدور این نامه مردم از حالت تدافعی به حالت تهاجمی درآمدند و ملت عراق یکپارچه پایه‌های انقلاب و نهضت بزرگ خود را استوار ساخت. ۴ ماه بعد میرزا رحلت کرد اما انقلاب همچنان با رهبری شاگردان و هم‌زمان وی ادامه یافت و نقطه عطفی در تاریخ عراق به وجود آورد.

۴. سید محمد کاظم طباطبائی یزدی (م ۱۳۳۷ هـ.ق) صاحب عروة الوثقی
وی در سال ۱۲۴۷ هجری در یزد متولد شد. پس از تحصیلات ابتدایی به اصفهان رفت
و مدتی نزد آیت الله شیخ محمد باقر بن محمد تقی صاحب الحاشیه و در محضر صاحب
روضات الجنات و برخی از بزرگان تلمذ نمود تا به مرحله عالی اجتهاد و استنباط احکام
شرعی نائل گردید، سپس به نجف اشرف هجرت نمود و در حوزه درس مرحوم
میرزا محمد حسن شیرازی و شیخ راضی نجفی حاضر شد، پس از درگذشت ایشان در سال
۱۳۱۲ خود به تدریس خارج فقه و اصول و تشکیل حوزه علمی پرداخت.
برخی از تألیفات و آثار ایشان عبارتند از: ۱. بُستان نیاز در مناجات به نثر مُسَجَّع به
فارسی، ۲. تعادل و تراجیح (در اصول)، ۳. حاشیه مکاسب شیخ انصاری، ۴. حجه الظن فی
عدد الركعات، ۵. السؤال و الجواب (مسائل فقهی)، ۶. الصحیفه الکاظمیه، ۷. منجزات
المريض، ۸. العروه الوثقی.

کتاب العروه الوثقی

عنوان این کتاب برگرفته از ترکیبی است قرآنی که در آیه زیر آمده است:
فمن یکفر بالطاغوت ویؤمن بالله فقد استمسک بالعروه الوثقی لا انفصام لها (بقره/۲۵۶)
یعنی آنان که به طاغوت کفر ورزیدند و به خداوند بزرگ ایمان آوردند به
"دستگیره محکمی" متمسک شده‌اند. قبل از ایشان سید جمال الدین اسدآبادی مجله‌ای در
مصر تحت همین عنوان منتشر می‌ساخت که بیشتر حاوی مطالب تبلیغی، اجتماعی و
فرهنگی بود و از انتشار آن مقصود سیاسی خود را دنبال می‌نمود. شاید سید طباطبائی که
چندان با روش سیاسی و افکار وی هماهنگی نداشته با تألیف کتاب صد در صد فقهی
عروه الوثقی، نقطه نظر خود را نسبت به اهتمام به فقاہت ابراز داشته است.
کتاب عروه شایع‌ترین مجموعه فتوایی به زبان عربی در میان فقهای متأخر تا زمان
حاضر و مهم‌ترین و مشهورترین تألیف طباطبائی است. در زمان حیات ایشان بخش‌هایی
که چاپ و انتشار یافت شامل ابواب فقهی زیر بود:

۱. اجتهاد و تقلید ۲. طهارت، ۳. صلو، ۴. زکات، ۵. خمس، ۶. صوم، ۷. حج، ۸. اجاره، ۹. مضاربه، ۱۰. ضمان، ۱۱. نکاح، ۱۲. وصیت.
این دوازده بخش مجموعاً مشتمل بر بیش از ۲۳۶۰ مسئله از فروعات فقهی است.
در اواخر حیات ایشان بخش دیگری تحت عنوان ملحقات العروه منتشر شد که مشتمل است بر ابواب فقهی زیر:

۱. ربا، ۲. غدد، ۳. وکاله، ۴. هبه، ۵. وقف، ۶. قضاء.

این کتاب اخیراً در قم توسط مؤسسه النشر الاسلامی به عنوان مجلد ششم دوره عروه قرار گرفته است. قابل ذکر است که ملحقات العروه یکی از بهترین کتاب‌های فقهی واجد وصف موجزیت و عدم اطناب و در عین حال هم مستدل است ولی متأسفانه تاکنون حاشیه و شرحی بر آن نگاشته نشده است. نگارنده به فارسی در حد توان کاری کرده‌ام و به زودی در اختیار دانش‌پژوهان قرار خواهد گرفت.

به نظر نگارنده دوران تألیف کتاب عروه الوثقی و به‌طور کلی مرجعیت طباطبایی یزدی مقارن است با گسترش مرجعیت شیعه، تماس بسیار نزدیک حوزه نجف با مکاتب علمی مغرب زمین از طریق عثمانیان، و مصریان، و در نتیجه این مواجهه در این مقطع زمانی تأثیر شدید نیازهای زمان را در تفقه عالمان بزرگ این مکتب از جمله طباطبایی یزدی که فقیهی است کاملاً واجد طرز تفکر عرفی برای ما ملموس است.

روش نگارش، فصل‌بندی و به اصطلاح امروز پلان کتاب عروه الوثقی در مقایسه با مجله الاحکام العدلیه که بر اساس فقه حنفی در مرکز امپراطوری عثمانی تألیف شده است چنین به نظر می‌آورد که سید یزدی برای عرض اندام فقه شیعی در مقابل اهل تسنن از

همان روش پیروی کرده است. در مجموعه استفتائاتی^{۲۹} که از ایشان باقی مانده فتاوایی به چشم می‌خورد که برای اولین بار مطرح شده است. درست است که پس از ایشان همان فتاوی به گونه‌های دیگری توسعه یافته ولی به هر حال برای بار نخست از ایشان سؤال شده است. مثلاً سؤال از بیمه و یا برات تا قبل از ایشان دیده نشده است. و در مجموعه فتاوی ایشان آمده است.

در کتاب عروه بسیاری از مسائل حقوقی برای نخستین بار مطرح گردیده و به روش مکاتب حقوقی عرفی (غیر تعبدی) فتوا داده شده است. برای نمونه می‌توان به ضمان ضم ذمه به ذمه که آن روز به اتفاق آرای شیعه امری باطل و همگی معتقد به نقل ذمه بودند اشاره کرد و به این امر توجه نمود که جهان معاصر غرب همگی در حقوق تجارت به نظریه ضم ذمه متفق و دنیای اسلام به پیروی از فقهای مکاتب اربعه همین نظر را داشته‌اند. نظریه آزادی اراده در قراردادها از سوی طباطبایی در جاهای مختلف عروه الوثقی به چشم می‌خورد.

کتاب عروه الوثقی از نظر ادبی بسیار دقیق تنظیم شده و ظاهراً این امر مدیون زحمات دو تن از شاگردان مبرز ایشان یعنی اخوان کاشف الغطاء (شیخ محمد حسین و شیخ احمد) بوده است. مرحوم شیخ محمد حسین کاشف الغطاء که خود از محشین صاحب نام عروه الوثقی می‌باشد در آخر حاشیه خود بر عروه آورده است:

"مؤلف عروه الوثقی یکی از مفاخر فقه جعفری در قرون اخیر است. استاد بزرگوار ما در سال ۱۳۲۲ هجری قمری تألیف این کتاب را آغاز کرد. وی دو یا سه روز یکبار علی‌رغم حجم زیاد مراجعات امر مرجعیت دو یا سه صفحه از کتاب را با خط دقیق خود

۲۹. این مجموعه تحت عنوان سؤال و جواب سید یزدی حدود یک قرن پیش به چاپ سنگی در تهران منتشر شده بود. اخیراً تحت نظر نگارنده تحقیق و با فهرست‌بندی جدید و ابداعی توسط انتشارات مرکز نشر علوم اسلامی چاپ و منتشر شده است.

می‌نوشت و به من و برادرم شیخ احمد کاشف الغطاء می‌داد تا هم از نظر لفظی و ادب عربی مورد ویراستاری قرار گیرد و هم با مراجعه به منابع مستندات فقهی فروع و فتاوا بررسی شود تا مبادا به علت اشتغالات روزمره سهو و خطایی واقع شده باشد. ما سعی خویش را برای انجام این مهم به خرج دادیم و تلاش نهایی نمودیم تا بحمد الله متن کتاب روان تهیه شد و برای فهم عموم آسان گشت. ما برای بررسی منابع و مستندات جلسات زیادی همه روزه در منزلمان تشکیل می‌دادیم و با بسیاری از افاضل زمان مطالب را به بحث می‌نهادیم که دو تن از جمله آن افراد، میرزا حسین نائینی، قبل از رسیدن وی به مرجعیت و شیخ حسن کربلائی بودند. ما پس از بحث و بررسی، یادداشت‌های اصلاح شده را به حضورشان تقدیم می‌کردیم، گاهی با نظر ما موفق بود و رأی ما که احیاناً برخلاف رأی قبلی ایشان بود را تأیید می‌کرد و گاه بر نظر قبلی خویش اصرار می‌ورزید. تألیف کتاب شش سال طول کشید و در سال ۱۳۲۸ (قمری) که من برای چاپ کتاب خودم "الدعوه الاسلامیه" به بغداد می‌رفتم (کتابی که انتشارش ممنوع شد و بر آن ماجرای کذایی گذشت)، کتاب عروه را به من داد و هر دو کتاب اولین بار در مطبعه دارالسلام بغداد چاپ شدند.^{۳۰}

۳۰. العروه الوثقی - السيد الیزدی - (چاپ جامعه مدرسین قم) جلد ۵ - شرح ص ۶۶۴ - بیان : کان ولا يزال من المعلوم أن هذا المؤلف الجليل "العروه الوثقی" الذي هو من مفاخر الفقه الجعفری وآياته الزاهرة في العصور المتأخرة. قد كان السيد الأستاذ "رضوان الله عليه" شرع فيه في السنة الثانيه والعشرين بعد الألف والثلاثمائة، وكان كل يومين أو ثلاث ينتهز من وقته المستغرق بأشغال المرجعية العظمی فرصة يحرر فيها من هذا الكتاب الورقتين والثلاث بخطه الدقيق يدفعها لي ولأخي آية الله الشيخ أحمد "نعمده الله برضوانه" لأجل إصلاح عباراته من حيث العربية ورفع الركاكه أو التعقيد والنظر في أدلة الفروع ومطابقة الفتوى للدليل حذرا من أن مشغوليته العظمی أدخلت سهوا عليه في ذلك أو غفله، ولا يعتمد على غيرنا في هذا الشأن كسائر مهماته الأخرى وشؤونه من إرجاع المرافعات إلينا وغيرنا، واستمر اعتماده مده حياته وبعد وفاته حيث جعلنا أوصيائه، ولا تزال وصيته بخطه الشريف وخاتمه محفوظه في خزانه أوراقی. وكنا نستفرغ الوسم ونسهر الليالي في إصلاح العبارات وجعلها بغايه الوضوح والسلامه بحيث يفهمها حتى العامی والأمی، كنا ننظر أيضا

مرحوم شیخ محمد حسین کاشف الغطاء از فقهای روشن فکر زمان خویش است و همان کسی است که مجله الاحکام العدلیه عثمانی را بر اساس فقه جعفری شرح کرده و آن را تحریر المجله عنوان داده است. این اقدام از ناحیه یک فقیه شیعی نشان دهنده روح تسامح و باز بودن فکر او است. اثر دیگر ایشان (الدعوه الاسلامیه) همان گونه که در همین متن به آن اشاره کرده انتشارش با مشکل سیاسی روبه‌رو شد که ایشان در متن فوق ضمناً از اوضاع سیاسی زمان خویش شکوه می‌کند.

قضیه از این قرار است که «شیخ محمد حسین این زمان در برابر انتشار کتاب‌های الحادی در عراق، شروع به نگارش آثاری کرد. کتاب شبلی شمیل در دفاع از نظریه داروین، کتاب الهدایه از سوی مبلغان مسیحی از آن جمله بود. شیخ کتاب «الدعوه الاسلامیه الی مذهب الامامیه» را نوشت و در بغداد به چاپ رساند. با انتشار اولین نسخه‌ها، به توصیه مفتی محمد سعید زهاوی، دولت عراق که والی آن ناظم پاشا بود دستور جمع‌آوری آن کتاب را داد. پس از آن وی محاکمه شده و حکم به جمع‌آوری کتاب شد.^{۳۱}

حسب زندگینامه دست‌نوشته باقیمانده از شیخ محمد حسین کاشف الغطاء «در نیمه‌های رجب سال ۱۳۳۷ ه. ق سید محمد کاظم یزدی بیمار شد. در آخرین روزها که

← فی المدارک والأدله. وتذاکر فی کل فرع فرع مع أفاضل ذلک العصر - فی دارنا الکبری التي کانت مجمع الأعلام والأعظم یومی الخمیس والجمعه - ومنهم الآیتان الحجتان المرحوم میرزا محمد حسین النائینی - قبل أن یصیر من المراجع - والشیخ المحقق وحید عصره الأستاذ الشیخ حسن الکرملانی "رضوان الله علیهما" وبعد استفراغ الیوم وسد الفراغ نعود إلیه "رضوان الله علیه" بما أصلحنا وتذاکر معه فی مجلس خاص، فربما رجم إلی رأینا فی الفتوی وربما أصر واستمر علی رأیه. وفی السنة الثامنه والعشرین لما توجهت إلی بغداد لطبع کتابی (الدعوه الاسلامیه) - الذی حجز وجرى فیہ ما جرى - طلب منی "تغمده الله برحمته" أن أشرف علی طبعها وکنا نطبع الکتابین فی مطبعه دار السلام.

۳۱. نگاه کنید به: رسول، جعفریان؛ هشت دهه زندگی آیت الله شیخ محمد حسین کاشف الغطاء، سایت کتابخانه مجلس شورای اسلامی.

شیخ محمد حسین و برادرش نزد او می‌روند، سید که فرزند بزرگش سید محمد را در سال ۱۳۳۴ به خاطر مسائل جنگ {با انگلیسی‌ها} از دست داده بود، به آنان وصیت کرد. این وصیت‌نامه تنظیم شد و بعد از آن سید یزدی در حضور جمعی آن را مهر کرد. سید در شب ۲۸ رجب مقارن طلوع فجر به رحمت حق واصل گردید. شیخ می‌گوید که وصیت‌نامه وی همچنان نزد من موجود است. در پاورقی هم آمده که این دفاتر و اسناد همچنان در کتابخانه آل کاشف الغطاء حفظ شده است.^{۳۲}

حواشی بر عروه

این کتاب مورد مراجعه و دقت فقها و مراجع بعدی تا عصر حاضر قرار گرفته و از سوی فقها بارها مورد بحث و حاشیه قرار گرفته است. منظور از حاشیه این است که کسی که خود را مجتهد و صاحب فتوا می‌داند فتوای خود را در کنار فتاوی طباطبایی عرضه می‌کند. مثلاً طباطبایی در مورد ضمان می‌گوید الاقوی ضم الذمه. حاشیه‌پردازان اگر با طباطبایی موافقت، در ذیل حاشیه‌ای ندارند و عدم حاشیه دلیل بر موافقت است. ولی اگر مخالف باشند نظر خود را اعلام می‌کنند مثلاً می‌گویند الاقوی خلافه.

حواشی بر عروه اغلب به این صورت است که فقط حاوی فتوا است و اشاره‌ای به دلیل فتوا ندارد، هرچند که در برخی موارد حاشیه پرداز به دلیل هم اشاره می‌کند.

می‌توان گفت پس از انتشار عروه نشانه آمادگی برای مرجعیت فتوا انتشار حاشیه بر عروه شناخته شده است. انتشار حاشیه بر عروه بر انتشار رساله معمولاً مقدم است زیرا، مخاطب حاشیه علما و خواصند و مخاطب رساله عمليه عوام و توده مردم هستند. و مادام که خواص از طریق حواشی بر عروه شخص را ارزیابی نکنند مرجعیت فتوا پا نمی‌گیرد

۳۲. همان.

هرچند که از طرق دیگر ممکن است عوام مجذوب شخصی شوند و به وی بگروند و یا مقام علمی شخص اثبات گردد.

از تاریخ تألیف عروه الوثقی حواشی زیادی بر آن توسط نامزدهای مرجعیت منتشر شده ولی در میان آنان بزرگانی وجود داشته‌اند که اخیراً در قم مجموعه حواشی آنان همراه با متن عروه به چاپ رسیده است که عبارتند از:

۱. شیخ علی بن شیخ باقر بن شیخ محمد حسن جواهری (م ۱۳۴۰)
۲. سید محمد بن سید محمد باقر فیروز آبادی (م ۱۳۴۵)
۳. میرزا حسین نائینی (م ۱۳۵۵)
۴. شیخ عبدالکریم حائری (م ۱۳۵۵)
۵. شیخ آقاضیاء الدین عراقی (م ۱۳۶۱)
۶. سید ابوالحسن موسوی اصفهانی (م ۱۳۶۵)
۷. شیخ محمد رضا آل یاسین (م ۱۳۷۰)
۸. شیخ محمد حسین کاشف الغطاء (م ۱۳۷۳)
۹. حاج آقا سید حسین طباطبائی بروجردی (م ۱۳۸۰)
۱۰. میرزا سید عبدالهادی حسینی شیرازی (م ۱۳۸۲)
۱۱. سید محسن طباطبائی حکیم (م ۱۳۹۰)
۱۲. سید احمد خوانساری (م ۱۴۰۵)
۱۳. حاج آقا سید روح الله موسوی خمینی (م ۱۴۰۹)
۱۴. سید ابوالقاسم خوئی (م ۱۴۱۳)
۱۵. سید محمد رضا گلپایگانی (م ۱۴۱۴)

شروح تفصیلی عروه

قبل از تألیف کتاب عروه فقه شیعه از طریق شرح نویسی بر متون فتاوی توسعه

می‌یافت. از قرن هفتم هجری به بعد شرایع الاسلام محقق حلی و تبصره المتعلمین و یا قواعد الاحکام علامه حلی، و اللمعه الدمشقیه شهید اول، موضوع شرح وتفصیل فقیهان واقع شده است. اما پس از تألیف عروه الوثقی چند تن از فقیهان معاصر به شرح وتفصیل آن پرداخته‌اند. مشهورترین آنها شروح زیر است:

۱. مستمسک العروه الوثقی

این کتاب توسط یکی از فقیهان برجسته قرن معاصر و از شاگردان طباطبایی یزدی به نام سید محسن طباطبایی حکیم در ۱۴ مجلد تألیف شده است. نام مؤلف که محسن است و عنوان کتاب "مستمسک العروه الوثقی" حسن تقارن جالبی است. چون یکی دیگر از آیات قرآن مجید این است:

ومن یُسَلِّم وجهه الی الله وهو محسن فقد استمسک بالعروه الوثقی والی الله عاقبه الامور. (لقمان/۲۲)

یعنی: هر کس رو سوی خدا کند و محسن و نیکوکار باشد به دستگیری محکمی دست زده است.

مؤلف کتاب مستمسک العروه که خود از شاگردان درس سید یزدی بوده سبک و شیوه ایشان در نگارش آن بوده که معمولاً نخست به تحلیل مبنای فقهی مؤلف عروه می‌پردازند و سپس اگر نقدی به نظرشان می‌رسد ارائه می‌دهند.

۲. التنقیح

سلسله تقریرات دروس یکی دیگر از فقهای معاصر مرحوم آیت الله حاج سید ابوالقاسم موسوی خویی توسط افراد مختلفی از شاگردان ایشان با عناوین التنقیح، یا مستند العروه الوثقی و معتمد العروه الوثقی است. این اثر بر خلاف کتاب مستمسک العروه که تألیف بود، تقریر درس است و مستقیماً توسط مرحوم خویی تألیف نشده است. مقررین

این دروس عبارتند از آقایان: میرزا علی غروی تبریزی، شیخ مرتضی بروجردی و سید محمد تقی خوئی (فرزند آیت الله خوئی).

۳. مدارك العروه الوثقی

این کتاب توسط آیت الله شیخ علی پناه اشتهاردی از تربیت یافتگان مکتب قم و از شاگردان آیت الله حاج سید حسین طباطبائی بروجردی تألیف یافته است.

نتیجه گیری

سید محمد طباطبائی یزدی از فقهای آغاز قرن معاصر است و به نظر ما دارای مکتبی خاص در فقاہت به ویژه در بخش حقوقی فقه یعنی معاملات به معنای اعم است. منظور از معاملات به معنای اعم، همان است که در نظام حقوقی معاصر شامل حقوق عمومی و خصوصی می گردد. طباطبائی یزدی از شاگردان میرزا حسن شیرازی است و با توجه به اینکه دوران مرجعیت ایشان پس از صدور فتاوی تنباکو مقارن است با گسترش وسیع قلمرو سرزمین ها و اماکن سکونت شیعیان و طرح سؤالات ناشی از تمدن جدید و اختلاط آنان با مناطق مختلف، صدور فتاوی ایشان موجبات تحول حقوق اسلامی را فراهم ساخته و چه بسا نظریات ایشان با آنچه مشهور میان فقیهان پیش بوده مخالف و کاملاً ابداعی محسوب است.

ما در این سلسله مباحث برآنیم که به آن دسته از نظرات خاص طباطبائی یزدی که آن مرحوم راهی بر خلاف نظر مشهور پیموده است پردازیم. روش گزارش ما این است که نخست نظر مشهور را همراه با استدلال شان نقل می کنیم، و سپس نظر خاص سید طباطبائی یزدی را می آوریم و به شرح، توجیه و احیاناً نقد و بررسی آن می پردازیم.

منابع

۱. ابن ادریس، السرائر، تهران، ۱۳۹۰ هـ. ق.
۲. ابن شهر آشوب، محمد، معالم العلماء.
۳. ابن اثیر، الکامل فی التاریخ.
۴. اردبیلی، جامع الرواه، ج ۱، قم، بی تا.
۵. امین عاملی، سیدمحسن، اعیان الشیعه، انتشارات دارالتعارف بیروت، ۱۴۰۶ هـ. ق.
۶. تهرانی، آقا بزرگ، هدیه الرازی الی الامام المجدد الشیرازی، تهران، انتشارات میقات، ۱۴۱۲ هـ. ق.
۷. تهرانی، آقا بزرگ، کتاب الغیبه، چاپ نجف، بی تا.
۸. جعفریان، رسول، هشت دهه زندگی آیت الله شیخ محمدحسین کاشف الغطاء، سایت کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
۹. حر عاملی، امل الامل فی علماء جبل عامل، ج ۲.
۱۰. حلی، یوسف بن مطهر، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، مجمع البحوث الاسلامیه، مشهد، بی تا.
۱۱. خوئی، ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث.
۱۲. خوانساری، سید محمدباقر، روضات الجنات، انتشارات اسمعیلیان، قم، بی تا.
۱۳. دائره المعارف تشیع، تهران.
۱۴. الذریعه الی تصانیف الشیعه، چاپ بیروت، بی تا.
۱۵. سبحانی، جعفر، موسوعه طبقات الفقهاء، ج ۵، انتشارات موسسه امام صادق (ع)، قم، بی تا.
۱۶. شهید اول، اللعه الدمشقیه، ده جلدی، کلاتر.
۱۷. شهید ثانی، الدرايه فی مصطلح الحدیث، نجف، مطبعه النعمان.
۱۸. صدر، سید اسمعیل، تاسیس الشیعه لعلوم الاسلام.

۱۹. طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم، العروه الوثقی، انتشارات جامعه مدرسین قم، قم، ۱۴۴۰ هـ. ق.
۲۰. طوسی، محمد بن حسن، الفهرست، انتشارات اسماعیلیان، قم، بی تا.
۲۱. عمادی حائری، سید محمد، مقدمه چاپ فکسی میله غنیه النزوع، انتشارات مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۹۰.
۲۲. محقق حلی، جعفر بن حسن، المعتمد، انتشارات سید الشهداء، قم، بی تا.
۲۳. محقق داماد، سید مصطفی، دائره المعارف بزرگ اسلامی، مدخل ابن ادریس.
۲۴. مسعودی، مروج الذهب.
۲۵. نجاشی، رجال، انتشارات جامعه مدرسین قم.
۲۶. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.